

خواجه نصیرالدین طوسی

Nasir al-Din al-Tusi

و ژرفاندیشی نسبت به معارف بنیادی و اصیل اسلامی نقش داشته است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶: ۲۸) و در ملازمت با هلاکوخان به پیشرفت علم، فرهنگ و فلسفه کمک کرد (همان: ۳۰).

از شاگردان مشهور وی «علامه حلّی» و «قطب‌الدین شیرازی» از بزرگان فقهای شیعه به حساب می‌آیند. خواجه نصیرالدین طوسی به نوعی ادامه‌دهنده راه فیلسوفان مسلمان پیشین، یعنی ابن مسکویه، ابن سینا و فارابی است، چنانکه سه بخش کتاب «اخلاق ناصری» بیانگر آرای هر یک از این فلاسفه است. خواجه مانند اغلب علما، فضلا و ادبای ایران در اواخر عمر به عرفان و صوفی‌گری گرایش پیدا کرد.

اندیشه‌ها و افکار

خواجه نصیرالدین طوسی به دلیل ظرفیت‌های علمی، عقلی و توانایی‌هایی که در زمینه‌های گوناگون دانش بشری داشته است را «استاد البشر» لقب داده‌اند. شاگرد نامدارش «علامه حلّی» وی را عقل «هادی عشر» یعنی عقل یازدهم پس از عقول دهگانه که خداوند، پدید آورده است، معرفی می‌کند (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶).

مقامات فکری خواجه را می‌توان در سه بخش جداگانه در نظر گرفت:

نخست بعد علمی شخصیت وی است که به‌عنوان نابغه‌ای در ریاضی و نجوم، نشان داده شده است و تأسیس «رصدخانه مراغه» و کتاب «زیج ایلخانی» گواه بر آن است. دوم، شخصیت فلسفی و کلامی وی را در شرحی که بر کتاب «الاشارات» ابوعلی سینا با عنوان «شرح اشارات» آورده شده است و همچنین کتاب «تجرید العقاید» که برجستگی‌های فکری وی را به ترتیب در فلسفه و کلام نمایان کرده است، می‌توان دید. سوم در باب حکمت عملی نیز در کتاب «اخلاق ناصری» به تفصیل بحث کرده است.

خواجه نصیرالدین طوسی از جمله کسانی است که حکمت عملی برایش اهمیت داشته و خود او نیز به صفات نیکو و

محمد بن محمد بن الحسن الطوسی ملقب به نصیرالدین و مشهور به محقق طوسی در سال (۵۹۷ هـ. ق) در طوس متولد شد (مدرس رضوی، ۱۳۷۰: ۳). در آغاز جوانی برای تکمیل معلومات از طوس به نیشابور رفت؛ در انواع علوم نقلی و عقلی و به‌ویژه ریاضیات یگانه عصر خویش بود (پناهی سمنانی، ۹۳۷: ۶). مدتی به خدمت اسماعیلیان پیوست و در هنگام فتح قلعه‌های اسماعیلیان توسط هولاکوخان مغول (۶۵۴ هـ. ق) به خدمت ایلخان مغول درآمد و از طرف وی «رصدخانه مراغه» را تأسیس کرد و کتاب «زیج ایلخانی» را در علم هیئت و ستاره‌شناسی نوشت و در (۵۹۷ هـ. ق) در طوس درگذشت.

تألیفات علمی و حکمی خواجه نصیرالدین افزون بر صد کتاب و رساله است. اغلب کتاب‌هایش به زبان عربی است. آثار چشمگیر خواجه به ترتیب زیر است: «زیج ایلخانی» در نجوم، «اساس الاقتباس» در منطق، «شرح اشارات» در فلسفه، «تجرید العقائد» در کلام، «اخلاق ناصری» و «اوصاف الاشراف» در اخلاق (رهنما، ۱۳۸۸: ۴۸).

«اگوست کنت» در تقویمی که از پیشروان فلسفه تحققی ترتیب داده، نام خواجه نصیرالدین طوسی را بر یکی از روزها و نام «ابن سینا» را بر یکی دیگر از روزهای آن تقویم گذاشته است. محققان شخصیت علمی خواجه را بسیار برجسته نشان داده‌اند تا جایی که وی را در مقایسه با نوابغی همچون رازی، بیرونی، ابن سینا، خیام و غزالی بر مسندی برجسته‌تر از آنان می‌نشانند (همان: ۴۸).

کسانی که با تاریخ زندگی خواجه نصیرالدین طوسی آشنایی دارند، به روشنی می‌دانند که این اندیشمند بزرگ در دوره‌ای بحرانی و پر ماجرای تاریخی تا چه اندازه در پیشرفت علوم

پسندیده آراسته بوده است. در نظر او اخلاق با تربیت ارتباط وثیق و محکم دارد و بررسی مسائل اخلاقی در نظامی که با تربیت شکل می‌گیرد، جز گسترش نظام فکری و توسعه اصول عقلی چیز دیگری نیست و به همین دلیل است که خواجه بین تعلیم و تربیت و پیشرفت‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگ را قائل شده و علم و آگاهی را از شرایط اصلی آن می‌شناسد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶: ۵۰۱).

مسئله تربیت از نظر حکیم طوس، محوری و بنیادی است که به هیچ روی از قلمرو اندیشه‌های وی بیرون نمانده است. از دیدگاهش برای پیدایش نهضتی علمی و به وجود آمدن جریانی فکری نوع تربیت و چگونگی آن نقش اساسی دارد. به همین دلیل در تحقق بخشیدن به آرزوی دیرینه خود برای پیدایش جریانی فکری و نهضت عقلی به نوشتن رساله «آداب المتعلمین» پرداخت و در این رساله اندیشه‌های ژرف و تجربه‌های شخصی خویش را در باب چگونگی فراگیری علم و آگاهی به نگارش درآورد (همان: ۵۰۳). علاوه بر رساله «آداب المتعلمین» در قلمرو حکمت عملی دو کتاب مهم دیگر خواجه عبارت‌اند از: «اخلاق ناصری» و «اوصاف الاشراف» که از مهم‌ترین کتاب‌های مربوط به اخلاق در جهان اسلامی شناخته می‌شود.

مزیت اصلی «اخلاق ناصری» آن است که در آن «حکمت عملی» به روش «فلسفی» پی‌ریزی شده است. روش کار وی در بررسی ابواب مختلف حکمت عملی مبتنی بر شیوه ریاضی و فلسفی است. یعنی از مبادی معلوم بدیهی به مجهولات نظری اکتسابی پی می‌برد. چنانکه در کتاب «اصول اقلیدس» در حیطه ریاضیات و هندسه نیز از همین روش بهره برده است.

از نظر خواجه، در تربیت کودکان باید از قوانین طبیعت پیروی کرد. یعنی تربیت کودک باید با طبیعت وی هماهنگ باشد. وی همچون دیگر حکمای اسلامی روش «عادت‌ورزی» را به‌ویژه در اوان کودکی بسیار مهم می‌داند.

استقرار عادت‌های مثبت در کودکی شالوده سعادت آینده او را پی‌ریزی می‌کند. به پیروی از ابن‌سینا به «تفاوت‌های فردی» کودکان در جریان تربیت را مهم می‌داند، چنانکه می‌گوید: «بباید دانست که قوت تمییز و نطق در همه مردمان یکسان نیافریده‌اند، بلکه آن را در مراتب مختلف مترتب گردانیده‌اند (مینوی و حیدری، ۱۳۶۰: ۲۲۸).

درباره مراحل مختلف تربیت، به: «تأدیب»، «تعلیم» و «تفهیم» اشاره می‌کند. روش اساسی تأدیب «عادت‌ورزی» یا «عادت دادن» است. در مرحله تعلیم می‌توان از روش‌های گوناگون آموزشی مانند بهره‌گیری از فن بیان، سخنوری و روش‌های نمایشی مختص این مرحله، بهره برد. در مرحله تفهیم می‌توان از روش‌های پرورش قوه استدلال، پرسش و پاسخ و مباحثه استفاده کرد.

از نظر خواجه، نخستین هدف تربیت اخلاقی کودک؛ پرورش قوه «حیاء» است. بعد از آن باید به تهذیب «قوه شهوی» پرداخت، که فضیلت «عفت» را به دنبال دارد و با تهذیب «قوه غضبی» فضیلت «شجاعت» در پی می‌آید. هدف غایی تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه همانا «سعادت» است، وی عالی‌ترین مرتبه کمال یا سعادت انسان را نائل آمدن به جوار «رب‌العالمین» و ساکن شدن در نعیم مقیم می‌داند، چنانکه در این راستا افزوده است: «... و آن را در بعضی مقامات تشبیه به حور و قصور کنند، هم بر این منوال تا رسیدن به جوار رب‌العالمین و یافتن شرف مشاهده جلال او در نعیم مقیم» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۳).

... به همان اندازه که دو کتاب اخلاق ناصری و اوصاف الاشراف در حکمت عملی اهمیت دارند، کتاب فصول العقاید نیز در حکمت نظری و الهیات مهم و معتبر شناخته می‌شود (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۶: ۵۰۸).

تألیف کتاب «اوصاف الاشراف» که به اخلاق عرفانی و روش اهل بینش مربوط می‌شود، شبیه همان کاری است که شیخ الرئیس ابوعلی سینا در تدوین نمط نهم کتاب

سوی دیگر، فلسفه در دیگر سرزمین‌های دارالاسلام ناپدید شده بود، ولی به طور کامل در مکتب‌های ایرانی به حیات خود ادامه می‌داد، از این رو می‌توان فهمید که چگونه خواجه نصیر به «چهره برجسته» اندیشه شیعی تبدیل شده است (کرین، ترجمه جواد طباطبایی، ۱۳۹۲: ۴۰۰).

بررسی آثار خواجه نشان می‌دهد که وی با نوشتن «اخلاق ناصری» حکمت عملی را احیا کرد. تجرید العقاید از زمان تألیف تاکنون کتاب درسی علم کلام شیعی بوده و ده‌ها شرح به آن نوشته‌اند، که مشهورترین و معقول‌ترین آن‌ها شرح علامه حلی است. «اوصاف الاشراف» شرح مختصری از تصوف نظری شیعی است؛ در فصول و کمتر از آن در «شرح اشارات» تمایل اشرافی خواجه نصیرالدین را می‌توان درک کرد. وی در کتاب‌های «تجرید الاعتقاد» و «اوصاف الاشراف» فلسفه را با کلام و عرفان جمع کرده است. نصیرالدین در شرح اشارات و تلخیص المحصل به اعتراضات فخر رازی پاسخ داده و در «مصارع المصارع» از فلسفه در برابر اشکال‌های شهرستانی دفاع کرد (داوری، ۱۳۹۴: ۳۴۰).

به طور کلی خواجه با جمع کلام و فلسفه مخالف نبود، اما نمی‌خواست فلسفه خدمت‌گزار علم کلام باشد. وی در آثار خود فلسفه فارابی و ابن‌سینا را که از چند جانب مورد حمله و هجوم قرار گرفته بود، احیا کرد و اهمیت او در تاریخ فلسفه اسلامی بیشتر از این حیث است. نصیرالدین راه ابن‌سینا را ادامه داد و با بهره‌ای از آثار و افکار «شیخ اشراق و محی‌الدین بن عربی و صدرالدین قونوی، کتاب اوصاف الاشراف را نوشت؛ ... بدینسان هنر خواجه نصیر نوشتن عرفان و کلام به زبان اهل عرفان و کلام است. او با این شیوه همه‌انحای تفکر اسلامی را به هم نزدیک و زمینه را برای پدید آمدن حکمت متعالیه «ملاصدرا» فراهم کرده است (همان: ۳۴۳).

«الاشارات و التنبیها» انجام داده است. حجم این کتاب بسیار کوچک است ولی از جهت محتوا رفیع و بلند پایه شناخته می‌شود (همان: ۵۱۶). در نظر خواجه رسیدن انسان به مقام نفس مطمئنه نتیجه اطاعت و پیروی نفس از عقل شناخته شده است. وی برای مقام معرفت ارج فراوانی قائل است و معرفت را نتیجه عقل‌ورزی و حتی ایمان را مقدمه معرفت دانسته و معتقد است که کمال معرفت بعد از ایمان تحقق می‌پذیرد.

سعادت که غایت تربیت از نظر خواجه است، خود سه جنس دارد: سعادت نفسانی، سعادت بدنی و سعادت مدنی. از این میان «سعادت نفسانی» و رساندن فرد به مراتب مختلف این نوع سعادت، هدف اصلی تربیت اخلاقی از نظرش است (رهنما، ۱۳۸۸: ۸۹). ملکات اخلاقی، خودسازی و تهذیب نفس، از مواردی است که خواجه آنها را مورد تأکید قرار داده است، چنانکه در ابوابی از مقاله اول اخلاق ناصری (باب کسب سعادت و حفظ صحت نفس) در موارد مختلف بر خودسازی نفسانی و خودپروری تأکید می‌ورزد. «خودسازی» به‌عنوان یکی از شیوه‌های اساسی تربیت اخلاقی در کتاب «اوصاف الاشراف» خواجه نیز آمده است به نحوی که در آن تهذیب نفس در فضای عرفانی و تصوف مطرح می‌شود.

«هانری گربن» خواجه نصیر را در شمار متکلمان شیعی آورده و می‌افزاید: «خواجه نصیر در برابر فخر رازی از ابن‌سینا دفاع کرد، همچنان که در رساله ویژه‌ای در پاسخ به شهرستانی چنین کرده بود. می‌توان گفت که اگر به خلاف سنت ابن‌سینایی - لاتینی که بسیار زود از میان رفت، مکتب ابن‌سینایی ایرانی تاکنون تداوم داشته است، نصیرالدین طوسی نخستین عامل آن بود ... مهم‌ترین موضوعات اندیشه شیعی (امامت، امام دوازدهم و ...) در آثار خواجه به طور منظم مورد بحث قرار گرفته است ... در حالی که تشیع گرایش‌های وجدان دینی ایرانی را در خود جمع کرده و از

کتابشناسی

پناهی، سمنانی. (۱۳۷۶). خواجه نصیرالدین طوسی، آسمان هنر و آفتاب زمین. تهران: نشر ندا.

شمس الدین، سید مهدی. (۱۳۷۷). طوسی، خواجه نصیرالدین. اوصاف الاشراف. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۰). اخلاق ناصری. تصحیح، مینوی، مجتبی و حیدری، علیرضا. تهران: انتشارات خوارزمی.

عطاران، محمد. (۱۳۶۸). آراء مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش.

مدرس رضوی، محمد تقی. (۱۳۷۰). احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: انتشارات اساطیر.

مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۷۵). کیمیای سعادت (ترجمه طهاره الاعراق)، زنجانی، میرزا ابوطالب، مقدمه و تصحیح، امامی، ابوالقاسم، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب (نقطه).

همای، جلال الدین. (۱۳۷۴). منتخب اخلاق ناصری. تهران: مؤسسه نشر هما.

رهنما، اکبر. (۱۳۸۸). نقد تطبیقی تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه نصیرالدین طوسی. تهران: انتشارات آبیژ.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۶). خواجه نصیرالدین طوسی، فیلسوف گفتگو، تهران: انتشارات هرمس.

همای، جلال الدین. (۱۳۴۸). حکمت عملی، تهران. قابلیت دسترسی در: <https://www.eliteraturebook.com>

هانری کربن. (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه اسلامی. ترجمه جواد طباطبایی، تهران: انتشارات کویر.

اکبر رهنما (دانشیار دانشگاه شاهد)